

کریمی در گفت‌وگو با ایلنا:

برای گشایش در سیاست خارجی نمی‌توانیم صبر کنیم تا آمریکا از قدرت بیفتد/ تصور ما از محیط بین‌الملل، تا حد زیادی مبتنی بر نگاه جنگ سردی و بلوک‌بندی دوقطبی است

تحلیلگر مسائل بین‌الملل گفت: ما برای گشایش در کار سیاست خارجی مان نمی‌توانیم صبر کنیم تا نظم بین‌المللی تغییر کند و آمریکا از قدرت بیفتد. بلکه باید در همین نظم کنونی و با نگاهی واقع‌گرایانه به موضوع اصلاح سیاست خارجی مان پردازیم که این فارغ از بدنه دائمی وزارت امور خارجه نیازمند توان کارشناسی سیاسی در سطح بالا است که کاری فراتر از روابط دوجانبه و روزمره با کشورها و سازمان‌های بین‌المللی را دنبال کند.



ساسان کریمی محقق پسادکتری و مدرس دانشگاه تهران در گفت‌وگو با ایلنا، در پاسخ به این سوال که با توجه به اینکه وزارت امور خارجه در دولت سیزدهم همواره بر داشتن روابط دو جانبه با همسایگان تاکید داشته اما در طول مدت اخیر مشاهده کردیم که کشورهایی مانند ترکیه، آذربایجان و همچنین عراق به شکلی رفتار کردند که روابط دو جانبه وارد چالش شده است. چه عواملی باعث شده تا روابط با همسایگان این مسیر پیش برود، گفت: اول آنکه پشت این ابراز راهبرد دولت سیزدهم یک پیش فرض مطرح شد و آن کارآمدی لازم در راس دولت و وزارت امور خارجه بود. متأسفانه این کارآمدی حتی در حداقل آن هم وجود ندارد. واقع امر این است که دولت دچار ضعف شدید در حوزه سیاست خارجی است و این در مناسبات به شدت دیده می‌شود.

وی افزود: نکته دیگر اینکه اساساً بهبود روابط با همسایگان در گرو برداشته شدن فشار تحریمی و انزوای تحمیل شده از سوی ایالات متحده است. امروز که اروپا نیز به علل مضاعفی بیش از پیش با آمریکا همراه شده است، کار از نظر سیاسی دشوارتر هم شده است. نهایتاً باید توجه کرد که کشورهای همسایه ما کشورهای قدرتمندی در ابعاد جهانی نیستند و نوعاً رابطه بسیار خوبی با آمریکا دارند و بنابراین دلیلی نمی‌بینند که به علت بهبود روابط با ما به خصوص در حوزه تجاری و اقتصادی خود را در معرض خطر تحریمی و تنبیهی آمریکا قرار دهند. به خصوص که بسیاری از این کشورها، از اساس شرکای آمریکا در منطقه و دارای رابطه‌ای که برایشان اهمیت راهبردی دارد هستند.

کریمی در پاسخ به این سوال که چالش‌های موجود وزارت امور خارجه تا پایان این دوره چیست و به چه شکلی باید این چالش‌ها را برطرف کرد، گفت: مهم‌ترین کاری که وزارت امور خارجه در این دوره قرار بود انجام دهد امضا کردن توافقی بود که آقای عراقچی نهایی کرده بود و محورهای آن در گزارش آخر آقای ظریف به مجلس وجود دارد. اما با سر کار آمدن کادر جدید، علیرغم اینکه سیاست پیگیری مسیر قبلی در پرونده هسته‌ای مجدداً و با دخالت دادن مقامات جدید تصمیم‌گیری و ابلاغ شد، اما به دلایلی که هنوز هم برای ما نامعلوم است این کار تاکنون انجام نشده و به نظر هم انجام شدنی نمی‌آید. چرا که احیای برجام برای غرب و به خصوص حزب دموکرات در ایالات متحده از نوعی دستاورد بالقوله تبدیل به هزینه شده است، بنابراین می‌توان گفت که فرصت برای رفع تحریم‌ها و بیرون آمدن ایران از تحریم‌ها و انزوای ظالمانه سوخته و از دست رفته است.

وی تصریح کرد: کار اساسی برای وزارت امور خارجه بیرون آمدن از دام تحلیل‌هایی است که مبتنی بر واقعیت نیستند. ما برای گشایش در کار سیاست خارجی مان نمی‌توانیم صبر کنیم تا نظم بین‌المللی تغییر کند و آمریکا از قدرت بیفتد. بلکه باید در همین نظم کنونی و با نگاهی واقع‌گرایانه به موضوع اصلاح سیاست خارجی‌مان بپردازیم که این فارغ از بدنه دائمی وزارت امور خارجه، نیازمند توان کارشناسی سیاسی در سطح بالا است که کاری فراتر از روابط دوجانبه و روزمره با کشورها و سازمان‌های بین‌المللی را دنبال کند.

این تحلیل‌گر مسائل بین‌الملل در پاسخ به این سوال ریشه به وجود آمدن چالش با غرب در کجاست و چه شرایطی لازم است تا این روابط بهبود پیدا کند، گفت: روابط ما با غرب بنابر تعریف کلاسیک خصمانه نیست، گرچه عملاً نمی‌توان نام آن را دوستانه هم گذاشت. به هر حال تنش‌هایی که در داخل کشور به وجود آمد و بیش از آن تحرکات ایرانیان خارج از کشور بر ذهنیت دولت‌های غربی و بیش از آن بر افکار عمومی آن جوامع بی‌تاثیر نبوده‌اند و بنابراین دولت‌های غربی که خود را ملزم به پاسخگویی به این افکار عمومی می‌دانند باید تا اطلاع ثانوی لاقلاً مراعات این حساسیت را در دستور کار خود داشته باشند.

وی افزود: از سوی دیگر باید از خود بپرسیم که چه جذابیتی از جانب ما برای غربی‌ها باقی مانده است؟ تنش مدام، تحریم همیشگی، عدم جذابیت سرمایه‌گذاری، عدم خرید انرژی از ایران و عدم صادرات گسترده به بازار ایران همه عناصری هستند که مبتنی بر آن بوده و به نظر بد غرب هر روز بیشتر به زندگی بدون ایران یا با یک ایران محدود عادت می‌کند و این موضوع مهم‌ترین چیزی است که دستگاه

سیاست خارجی دولت جدید از دست داد. ما در دوره قبل مرتباً در جایگاه پرسشگر بودیم و اینک مجدداً به نقطه‌ای که در انتهای دولت دهم در سیاست خارجی تجربه کردیم، بازگشته‌ایم و این غم انگیز است.

کریمی در پاسخ به این سوال آیا اشکالاتی در مدیریت سیاست خارجی توسط وزارت امور خارجه وجود دارد؟ این اشکالات در کجاست، گفت: البته که پرواضح است که سیاست خارجی در دولت جدید دستاورد چندانی نداشته است. تنها چیزی که مشخص شده اینکه با چوب جادو نمی توان سیاست خارجی را پیش برد و سیاست در محیط بین‌المللی صرفاً تابع عملکرد و حرفه‌ای بودن ماست. نمی توان آن طور که در ابتدای دولت القا می شد از راه دیگری ناگهان به دستاوردهای خارق العاده رسید.

وی افزود: راه، همان است که حرفه‌ای‌ها می‌روند و می‌گویند. مهم ترین اشکال در سیاست خارجی ما در نگاهمان است، شناخت و تصویری که از محیط بین‌المللی و مفاهیم ذیل آن داریم هنوز تا حد زیادی نگاه جنگ سردی و بلوک بندی دوقطبی است و سایه این شناخت و تصور معوج، بر عملکرد دستگاه سیاست خارجی مان افتاده است. اگر به تعداد سفرهایی که وزیر خارجه ما در این یک سال و نیم رفته نگاه و آن را با قبل مقایسه کنیم مشخص می‌شود که دستگاه سیاست خارجی ما در انزوایی عریان فرو می‌رود و اصلاح این موضوع حتی توسط حرفه‌ای‌ترین‌ها نیز البته تا حد زیادی دشوار است.

این تحلیل‌گر مسائل بین‌المللی در پاسخ به این سوال که برخی از تحلیل‌گران سیاست خارجی و روابط دیپلماتیک می‌گویند مدلی که در سیاست خارجی ایران در دولت سیزدهم اداره می‌شود این گونه است که نهادهایی خارج از وزارت امور خارجه در تصمیم‌گیری دخالت دارند شما چقدر با این گزاره موافق هستید، گفت: چنین اظهارنظری بیشتر اطلاعات می‌خواهد تا تحلیل و ما این اطلاعات را نداریم. اما به نظر می‌رسد تاثیر دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی بر موضوع برجام از نظر رسمی بیش از قبل و تاثیر افرادی در سایه و حاشیه دولت به صورت غیر رسمی بر برجام و موضوعات دیگر بسیار زیاد بوده است. هر دستگاهی که متولی حرفه‌ای نداشته باشد قاعدتاً دچار نوعی ضعف در عملکرد خواهد شد که در این صورت ورود نهادهای دیگر در کار آن لاجرم خواهد بود.

کریمی در پاسخ به این سوال در حوزه برجام، در دولت قبلی وزیر امور خارجه مسئول مذاکره با طرف مقابل بود و در عین حال به شکلی درباره مذاکرات توضیحاتی را ارائه می‌کرد اما در این دوره با فقدان اطلاع رسانی دقیق از وزارت خارجه ایران مواجه هستیم به طوری که این نقش را عمدتاً اولیانوف روس ایفا می‌کند از نظر شما چه دلایلی باعث شده تا این اتفاق رخ دهد و این رفتار به چه معناست، گفت: آقای اولیانوف البته از طرف دستگاه سیاست خارجی ما سخن نمی‌گوید و نگفته است. حالا هم که دیگر موضوع احیا برجام مطرح نیست و این مورد موضوعیت سابق را ندارد. ولی مبرهن است که دستگاه دیپلماسی و به خصوص تیم مذاکره کننده هیچ پاسخگویی را نسبت به مردم بر خود مفروض ندیده اند و از اساس خود را نیازمند تنویر افکار عمومی نمی‌دانند. به همین نسبت هم می‌توان سردی را در جامعه نسبت به سیاست خارجی و احیای برجام مشاهده کرد که در دولت جدید هر روز بیشتر شده است. این را اگر با روزها و شب‌های مذاکرات برجام مقایسه کنیم وضوح این تفاوت صد چندان مشخص خواهد شد.

